

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مظلومیت آیه‌الله طاهری رحمته‌مبارک

هادی نجفی

آیه‌الله زاده معظم جناب حجة الإسلام والمسلمین آقای حاج سید محمدحسن طاهری رحمته‌مبارک از حقیر درخواست نمودند مقالی را به جهت انتشار در سالگرد والد مکرمشان فقیه علی التحقیق و اصولی دقیق النظر مرحوم آیه‌الله آقای حاج سید جلال‌الدین طاهری اصفهانی رحمته‌مبارک (۱۳۰۵-۱۳۹۲ش) ارسال نمایم.

اجابت درخواست ایشان به دو دلیل، ایامی به تأخیر افتاد:

دلیل اول: کثرت اشتغالات علمی و تدریس بود.

و دلیل دوم: نوشتن جهت آیه‌الله طاهری هزینه دارد. و کسی که برای وی دست به قلم شود می‌بایست هزینه آن را نیز پرداخت نماید. والعاقل تکفیه الإشارة.

با علم به این مطلب آنچه صاحب قلم را بر آن داشت که چند جمله هرچند کوتاه در مورد این مرد بزرگ به یادگار بنویسد مظلومیت او بود. مظلومیتی که در عرصه‌های مختلف زندگی سراسر تلاش و کوشش و مجاهده‌اش به چشم می‌خورد.

قبل از اینکه به این موضوع بپردازم به عنوان مقدمه می‌بایست سابقه‌آشنایی خودم را با ایشان به اختصار و اجمال بیان کنم.

نوجوانی بوم در دهه ۵۰ شمسی که جدّم، آیه‌الله طاهری را در دو ماه رمضان پیاپی به جهت منبر در مسجدمان دعوت نمود. ماه رمضان در آن سالها در تابستان بود. نماز جماعت در زیر گنبد مسجد توسط مرحوم جدّ اقامه می‌شد. آیه‌الله طاهری نیز نمازش را در مسجد اعظم حسین آباد اقامه می‌نمود و شاید چند کلام مختصر نیز آنجا صحبت می‌کرد و به جهت منبر به مسجد ما می‌آمد. هنوز به یاد دارم که صفوف نماز جماعت از زیر گنبد تا بعد از حوض که در حیاط مسجد قرار دارد ادامه می‌یافت و مردم استقبال کم‌سابقه‌ای از منبر آیه‌الله طاهری کردند.

پس از آن شاید یکی دو بار به نماز جمعه ایشان که در مسجد اعظم حسین آباد و در خفقان شاهنشاهی

اقامه می‌شد حاضر شدم.

در بازگشت آیه‌الله از تبعید ستمشاهی از صبحگاه به بیرون شهر جهت استقبال آیه‌الله رفتیم به خوبی به یاد دارم وقتی وی به خانه‌اش رسید ابتداءً برای مردم صحبتی نکرد به داخل خانه رفت و اعلام کردند وی نماز ظهر و عصرش را نخوانده است، رفت که نمازش را بخواند یعنی آفتاب نزدیک بود غروب کند که او به خانه‌اش در حسین‌آباد رسید. پس از آن چند جمله با مردم سخن گفت.

هفته‌هایی قبل از پیروزی انقلاب در بهمن ۵۷، نماز جمعه توسط ایشان در مسجد مصلای اصفهان اقامه می‌شد. به یاد دارم اول بار که می‌خواست وارد مسجد مصلی شود عده‌ای از مردم او را بر دوش خود گذاشته و وارد مسجد مصلی نمودند.

انقلاب پیروز شد آیه‌الله طاهری به عنوان امام جمعه اصفهان و نماینده امام خمینی علیه السلام در این استان تعیین گردید. و در جنگ تحمیلی نقشی به یادماندنی ایفا کرد.

یک روز به من فرمود: از مرحوم امام استجازه کردم که به قم بازگردم اما ایشان اجازه ندادند و فرمودند: آقای طاهری در اصفهان به وجود شما نیاز است لازم نیست به قم بروید. فرض بگیرید یک مرجع کمتر. از این بیان مرحوم امام علیه السلام معلوم می‌گردد که ایشان نسبت به مقامات علمی آیه‌الله طاهری وقوف کامل داشتند.

امام در خرداد ۶۸ بار سفر بریست و آیه‌الله طاهری غمگین و آزرده‌خاطر راه او را تا لحظات پایانی عمر ادامه داد. یک روز از وی با پیرویی تمام پرسیدم: شما خدمات زیادی به انقلاب و امام و راه وی انجام دادید و مورد نامهربانی‌هایی... قرار گرفتید آیا اگر از اول می‌دانستید که با شما نامهربانی خواهد شد باز هم آنچه را که انجام داده‌اید، انجام می‌دادید؟

وی از سؤال و شاید از صراحت من تعجب کرد. قدری به اندیشه فرو رفت. از اینکه سید را ناراحت کرده بودم، پیش خودم خجالت کشیدم. به جهت اینکه قدری او را تسکین گفته باشم در یک جمله معترضه به او گفتم: البته من این سؤال را از شیخ استاد علیه السلام نیز پرسیده‌ام.

پرسید: چه جواب گفتند؟

گفتم: فرمود: من به تکلیف خود در طول زندگی عمل نمودم و لذا پشیمان نیز نیستم.

بلافاصله او نیز همین پاسخ را تکرار کرد و گفت من نیز به تکلیف عمل نمودم. و هیچ‌گونه پشیمانی

ندارم.

در سال‌های آخر حیاتش دو بار به عزاداری امام حسین علیه السلام که شب‌های دهه اول محرم در مسجد برپاست حاضر شد و هر دو بار او را با ویلچر آوردند، در بار اول از او پرسیدم: آقا یاد دارید که خودتان در ماه

مبارک رمضان در این مسجد منبر می‌رفتید. پاسخ گفت: آری.

آنچه از آن رنج می‌کشم مظلومیت آیه‌الله طاهری رحمته‌الله در بعد علمی ایشان است. او در حالی که هنوز ۲۵ بهار از عمرش را پشت سر نگذاشته است، دوره‌ای کامل از دانش اصول از تقریرات درس استادش آیه‌الله سید محمد محقق داماد رحمته‌الله (۱۳۲۲-۱۳۸۸ق) را در سه مجلد تألیف نموده است. تقریری که اگرچه در دهه آخر عمر بابرکت آیه‌الله طاهری به چاپ رسید - و متأسفانه اغلاط چاپی فراوانی نیز دارد - اما به قدری سلیس و روان و شیوا تقریر شده که دلالت بر فهم عمیق مقرر از درس دارد. فهمی که دلالت بر قدرت استنباط مؤلفش می‌کند و این در حالی است که ایشان تحصیلات رسمی حوزوی را بعد از اخذ دیپلم شروع کردند. یعنی در کمتر از یک دهه تلاش علمی مستمر به قوه استنباط رسیده است.

در فقه نیز تاکنون دو جلد در طهارة از وی نشر شده که البته دروس خود ایشان است که به قلمش به طبع رسیده است.

و همچنین در فقه براساس آنچه که خودش اظهار می‌داشت کتاب‌های صلاة، زکاة و خمس - به طور مفصل - و حج را نیز به نحو استدلالی نگاشته است.

اهل فن می‌دانند کسی که دوره‌ای را در علم اصول تقریر و چند کتاب فقهی مفصل چون طهارة و صلاة و زکاة و حج را بنویسد بر بلندای قلّه اجتهاد قرار گرفته است. و لذا تصدیق اجتهادش نیز از آیتین حاج شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء رحمته‌الله در نجف اشرف و حاج سید محمدتقی خوانساری رحمته‌الله در قم مقدسه صادر شده است.

ولی متأسفانه دنیا و سیاست به آیه‌الله طاهری پشت کرد و بنابراین حتی ویژگی‌ها و صفات و امتیازات او مورد پذیرش واقع نشد، همان‌گونه که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرمایند: إِذَا أَقْبَلَتِ الدُّنْيَا عَلَى أَحَدٍ أَعَارَتْهُ مَحَاسِنَ غَيْرِهِ، وَإِذَا أَدْبَرَتْ عَنْهُ سَلَبَتْهُ مَحَاسِنَ نَفْسِهِ.^۱

آیه‌الله طاهری علاوه بر فقاہت و استنباط مواهب متعدد دیگری نیز دارا بود. او حافظه‌ای کم‌نظیر داشت که تا سال‌های آخر حیات یاریش می‌بخشید.

سالیانی نه تنها بر اصفهان بلکه بر نیمی از ایران حکم راند و امرش در سراسر کشور مطاع بود اما هرگز به اعتقادات مردم متعرض نشد و دست تعدی نیز به طرف بیت‌المال دراز نکرد. جان‌ها و أعراض و اموال مردم را پاس می‌داشت. احکام و قوانین شرع اقدس و حتی عرفیات را به‌خوبی مراعات می‌کرد.

خطیبی توانا و سخنوری چیره‌دست بود. حافظه قوی او که ذکرش گذشت در این امر فراوان یاریش

۱. نهج البلاغه، حکمت ۹.

می داد.

ادبیات فارسی و عربی را به خوبی می دانست و هر دو زبان را فصیحانه و بلیغانه نگارش می کرد. در یک کلام اگر بخواهیم او را وصف کنیم باید بگوییم یک انسان بود. انسانی که دستش و زبانش و قلمش و قدمش به ظلم نسبت به کسی آلوده نشد، اما خودش همواره مظلوم بود. و جمله جَدش امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمودند: ما زِلْتُ مَظْلُوماً^۲ در موردش مصداق داشت.

این مقال را بهانه قرار داده اعلام می دارم مرحوم آیه الله طاهری با اینکه از شاگردان و اصحاب مرحوم آیه الله سید شهاب الدین نجفی مرعشی علیه السلام محسوب نمی شد، اما چون به ایشان علاقه مند بود و به نزد وی می رفت و آیه الله مرعشی نیز فضلش را به خوبی دریافته بود برای ایشان اجازه مفصلی در حدود ۲۵۰ صفحه مرقوم می فرمایند که تا قبل از اجازه کبیره ای که برای فرزندشان حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر سید محمود مرعشی رحمته الله بنویسند، اجازه آیه الله طاهری بزرگترین اجازه ای بوده است که از طرف آیه الله مرعشی علیه السلام صادر شده است.

حقیر مکرر از آیه الله طاهری رحمته الله نسخه این اجازه را درخواست کردم. در ابتدا از اینکه من از این اجازه باخبرم تعجب کرد. پس از آن اظهار نمود: به دلایلی - که البته من نیز می دانستم و بعد از مدتی او نیز بیان کرد - از در اختیار گذاشتن آن معذورم. در سال آخر حیات و در ماه رمضان آخر عمرش در مهمانی افطار منزلش مجدداً درخواستم را تکرار کردم و با تعجب دیدم موافقت کرد و بسیار غلیظ پاسخ گفت: چشم.

اما متأسفانه به علت بیماری و کسالت های مکرر آیه الله این وعده وفا نشد و پس از رحلت جانسوز وی خلف صالحش حجة الاسلام آقای حاج سید محمدحسن طاهری رحمته الله از این اجازه اظهار بی اطلاعی کردند و احتمال دادند این اجازه جزو نوشته هایی باشد که توسط ساواک شاهنشاهی از منزل ایشان به سرقت رفته است. پایان این مقال را فراخوانی قرار می دهم برای هر کسی که از این اجازه اطلاعی و یا از آن تصویری در دست دارد دو خانواده مجیز و مجاز و حقیر را مطلع گرداند.

و از خداوند متعال علو درجات و مغفرت واسعه و حشر با اولیاء معصومین علیهم السلام را برای آیه الله طاهری مسألت می نمایم.

اللهم عفوك ورحمتك ومغفرتك

۱۵ / جمادی الأولى / ۱۴۳۵

اصفهان - هادی النجفی

۲. کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، صص ۶۶۳ و ۷۵۰؛ و مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۱۱۵.